آمریکا تحریم یک نفتکش مرتبط با ایران را لغو کرد

مذاکرات غیر مستقیم میان آمریکا و ایران در «مرحله آخر»

واشنگتن نسبت به رسیدن تفاهم با تهران ابراز خوش بینی کرد

دفتر کنترل دارایی‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا هم‌زمان با برگزاری دور هشتم مذاکرات وین، در بیانیه‌ای از رفع تحریم یک نفتکش مرتبط با ایران خبر داده است؛ این در حالی است که یک مقام این وزارتخانه در گفت‌وگویی تاکید کرد این اقدام بیانگر تغییر سیاست تحریمی‌واشنگتن در قبال ایران نیست.

به گزارش ایسنا، رسانه‌های آمریکایی گزارش دادند، دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا (اوفک) روز دوشنبه با انتشار بیانیه‌ای از رفع تحریم‌های نفتکش «عمان‌پراید» خبر داده است.

یک سخنگوی وزارت خزانه‌داری در این باره گفت: این خروج از فهرست بیانگر هیچ‌گونه تغییری در سیاست تحریمی‌دولت آمریکا در قبال ایران نیست و به مذاکرات برجام ربطی ندارد.

سخنگوی وزارت خزانه‌داری در ادامه گفت که دفتر کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری این تصمیم را پس از تحقیقات گسترده و احراز اطمینان از این که «تغییر کاملی در شرایط رخ داده است، یعنی مالکیت کشتی، و نیز خدمه و مدیریت آن تغییر کرده است» و «هیچ شخص تحریم‌شده‌ای هیچ کنترلی بر آن ندارد»، اتخاذ کرده است.

این نفتکش درحالی از شمول تحریم‌های دولت آمریکا خارج می‌شود که روز جمعه خبرهایی در مورد احتمال آزاد شدن اموال توقیف شده ایران از سوی کره جنوبی، به دنبال ادامه گفتگوهای هسته‌ای در وین، نیز منتشر شده بود.

یک منبع آگاه روز جمعه به خبرگزاری یونهاپ کره جنوبی گفت، قرار است از ماه آینده میلادی مذاکراتی در سطح کارگروه در سئول تشکیل و اختلاف میان تهران و سئول بر سر دارایی‌های مسدود شده ایران بررسی شود.

روایت آمریکا از چانه زنی غیرمستقیم با ایران

در این میان ،یک مقام ارشد وزارت امور خارجه آمریکا در یک کنفرانس خبری مواضع واشنگتن را درباره روند مذاکرات وین تشریح کرد.

به گزارش رویترز، یک مقام ارشد وزارت امور خارجه آمریکا دوشنبه شب در یک کنفرانس خبری درباره مذاکرات وین گفت، مذاکرات غیر مستقیم میان آمریکا و ایران در حال رسیدن به «مرحله آخر» است و تمامی‌طرفین باید در این زمینه، تصمیمات سخت سیاسی اتخاذ کنند. این مقام وزارت امور خارجه آمریکا همچنین گفت، مذاکرات اخیر در وین «یکی از سخت‌ترین مذاکراتی بوده‌اند که تا به امروز درباره بازگشت به برجام [توافق هسته‌ای] داشته‌ایم.»

او که به شرط فاش نشدن نامش با خبرنگاران صحبت می‌کرد، ادامه داد: ما در امر کاهش موارد اختلاف به اولویت‌های مهم در تمامی‌طرفین موفق عمل کرده‌ایم. به همین دلیل است که الان موقع اتخاذ تصمیمات سیاسی است. به گفته این مقام آمریکایی، واشنگتن پیش از این گفته است حاضر است در زمینه لغو تحریم‌های ناسازگار با برجام چه کاری انجام دهد و توپ بیشتر در زمین ایران است.

حالا وقت آن رسیده ایران ببیند که آیا آماده اتخاذ تصمیم‌های لازم برای بازگشتی دوجانبه به برجام است یا نه.

به گفته این مقام وزارت امور خارجه آمریکا، «ما در مرحله آخری قرار داریم. با توجه به سرعت پیشرفت‌های هسته‌ای ایران، تنها چند هفته تا رسیدن به یک توافق فرصت داریم.»

او افزود، در صورت عدم توافق با ایران، واشنگتن مجبور خواهد بود در مواجهه با برنامه هسته‌ای محدود نشده ایران، فشار «اقتصادی، دیپلماتیک و در دیگر زمینه‌ها» اعمال کند. این مقام آمریکایی آمادگی واشنگتن برای مشارکت در مذاکرات مستقیم با ایران را تکرار کرد و گفت، این کار با توجه به بازه زمانی محدود، به نفع روند مذاکرات خواهد بود اما افزود، هیچ نشانه‌ای مبنی بر آماده بودنشان برای این کار وجود ندارد.

خروج ٤ ایرانی از تحریم‌های انگلیس

تارنمای تحریم‌های اروپا خبر داد که دولت انگلیس چهار تن از اتباع ایرانی را از فهرست تحریم‌های خود خارج کرده است. به گزارش ایرنا، این تارنما نوشت که احمد زرگر، حسن حداد، محمد حجازی و سید حسن فیروزآبادی که در سال ۲۰۱۱ در فهرست تحریم‌های انگلیس قرار گرفته بودند، از این لیست خارج شده اند.

به نوشته منبع مذکور، زرگر کماکان مشمول تحریم‌های اتحادیه اروپاست. حجازی در لیست سازمان ملل، آمریکا و اتحادیه اروپا قرار داشته و اتحادیه اروپا و آمریکا فیروزآبادی را در فهرست تحریم‌های خود قرار داده اند.

کشورها و نهادهای غربی در سالیان اخیر تعدادی از اتباع ایرانی را به دلایل متعدد در فهرست تحریم‌های خود قرار داده و بر اساس برنامه جامع اقدام مشترک موظفند تا نام آنها را از فهرست‌های مذکور خارج کنند.

برنامه قطر برای ایجاد خط ارتباطی بین تهران و واشنگتن

وزیر خارجه قطر اعلام کرد که امیر این کشور و رئیس جمهور آمریکا در خصوص مذاکرات هسته ای ایران رایزنی کردند.

به گزارش ایسنا، محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، وزیر خارجه قطر در گفت وگو با شبکه الجزیره گفت: شیخ تمیم بن حمد، امیر قطر در دیدار با جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا درخصوص مسائل مختلفی از جمله مذاکرات هسته ایران رایزنی کرد.

وی تاکید کرد: ما از کانال‌های موجود با واشنگتن و تهران برای نزدیک کردن رویکردها استفاده می‌کنیم.

وزیر خارجه قطر همچنین گفت: رسیدن به توافق هسته ای با ایران برای ما مهم است زیرا این امر منجر به ثبات در منطقه خواهد بود.

محمد بن عبدالرحمن در بخش دیگری از گفت وگوی خود خاطرنشان کرد که دوحه تلاش می‌کند که تهران را به اتخاذ اقدامات مثبت در خصوص کشورهای منطقه تشویق کند.

براساس این گزارش، پیش از این کریس مورفی،سناتور دموکرات آمریکایی تاکید: امیدوارم که به کمک قطر بتوانیم تمام طرف‌ها را توافق هسته ای بازگردانیم.از نقش قطر در تلاش برای فرستادن ایرانی‌ها به میز مذاکرات بسیار تشکر می‌کنیم.

این سناتور آمریکایی همچنین خاطرنشان کرد: امیدواریم که یک گفت وگوی امنیتی منطقه ای برگزار شود و کشور قطر آماده است تا یک بازیگر اصلی در این گفت وگو باشد.

شیخ تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر اکنون به واشنگتن سفر کرده است و بامداد دیروز با جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا دیدار و رایزنی کرد.

همچنین محمد بن عبدالرحمن آل ثانی، وزیر امورخارجه قطر چند روز پیش از سفر امیر قطر به آمریکا به تهران سفر و با مقامات ایرانی دیدار کرده بود.

تشکر سناتور مورفی از قطر

کریس مورفی، سناتور دموکرات آمریکایی در گفت وگو با شبکه قطری الجزیره تاکید: امیدوارم که به کمک قطر بتوانیم تمام طرف‌ها را توافق هسته ای بازگردانم.

وی گفت: از نقش قطر در تلاش برای باز گرداندن ایرانی‌ها به میز مذاکرات بسیار تشکر می‌کنیم. این سناتور آمریکایی همچنین خاطرنشان کرد: امیدواریم که یک گفت وگوی امنیتی منطقه ای برگزار شود و کشور قطر آماده است تا یک بازیگر اصلی در این گفت وگو باشد.

کریس مورفی اخیرا نیز با انتشار پیامی‌در حساب کاربری خود در توئیتر به انتقاد از تصمیم دونالد ترامپ رئیس جمهور پیشین آمریکا برای کنار گذاشتن برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) پرداخت.

این سناتور دموکرات نوشت: خروج ترامپ از برجام، تصمیمی‌که وزیر امور خارجه و دفاع او نیز با آن مخالف بودند، به عنوان یکی از احمقانه‌ترین و خطرناک‌ترین تصمیمات در عرصه سیاست خارجی طی ۵۰ سال اخیر تلقی خواهد شد.

سعید خطیب زاده، سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری روز دوشنبه در پاسخ به سوال ایسنا در مورد سفر وزیر خارجه قطر به تهران و برخی از تحلیل‌های منتشر شده در این زمینه مبنی بر اینکه احتمالا وزیر خارجه قطر حامل پیام‌هایی بین ایران و آمریکا بوده است، گفت: رایزنی مداوم بین دوستان در منطقه امری طبیعی است و برخی اوقات شرایط منطقه ایجاب می‌کند که رایزنی‌ها به صورت منظم تر و با فواصل کوتاه تر انجام شود. بعد از گفت وگوی تلفنی که بین وزرای خارجه دو کشور انجام شد لازم بود که برخی از رایزنی‌ها از نزدیک انجام شود و در همین راستا شاهد سفر وزیر خارجه قطر به تهران بودیم. خطیب زاده گفت: آنچه که بین ایران و ۴+۱ و آمریکا در وین اتفاق می‌افتد مسیر خاص خود را دارد و همان طور که ما در مورد مسائل منطقه با کشورهای فرامنطقه گفت وگو نمی‌کنیم مسائل مربوط به مذاکرات ۴+۱ را در چارچوب حقوقی خود به جلو می‌بریم. آنچه که در وین رخ می‌دهد مسیر حرفه ای خود را طی می‌کند و باید از گمانه زنی‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود عبور کرد.

نگاه

ادامه از صفحه ۱

پوتین همچنین معتقد است که روسیه در دوران پسا شوروی در قلمرو منافع خاص خود از حق مطلق برخوردار است. این بدان معناست که همسایگان شوروی سابق نباید به هیچ پیمانی که فرض بر دشمنی آن با مسکو است، بویژه ناتو یا اتحادیه اروپا، بپیوندند. پوتین این درخواست را در دو پیمانی که در ۱۷ دسامبر توسط کرملین پیشنهاد شد، آشکار ساخت. این دو پیمان می‌گویند که اوکراین و دیگر کشورهای شوروی سابق، همچنین سوئد و فنلاند، باید برای همیشه متعهد به بی‌طرفی باشند و عضویت در ناتو را دنبال نکنند. ناتو همچنین باید با برچیدن همه نیروها و تجهیزاتش در اروپای مرکزی و شرقی به موقعیت نظامی خود در سال ۱۹۹۷ باز گردد. (این اقدام حضور نظامی ناتو را به مقیاسی که در زمان فروپاشی اتحاد شوروی وجود داشت، کاهش خواهد داد.) روسیه همچنین در مورد انتخاب‌های سیاست خارجی همسایگان غیرعضو ناتو حق وتو خواهد داشت. این وضعیت حضور حکومت‌های طرفدار روسیه را در کشورهای هم مرز و از جمله و مهم‌تر از همه در اوکراین تضمین خواهد کرد.

تفرقه بینداز و حکومت کن

تا کنون هیچ حکومت غربی آمادگی پذیرش این درخواست‌های غیر معمول را نداشته است. ایالات متحده و اروپا به میزان زیادی بر این باورند که کشورها هم در تعیین نظام‌های داخلی و هم سیاست خارجی خود آزادند. از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۸۹، اتحاد شوروی حق تعیین سرنوشت را برای اروپای شرقی و مرکزی انکار می‌کرد و از طریق احزاب کمونیستی محلی، پلیس مخفی و ارتش سرخ، سیاست خارجی و داخلی کشورهای عضو پیمان ورشو را کنترل می‌کرد. زمانی که کشوری از مدل شوروی زیاد فاصله می‌گرفت؛ مانند مجارستان در سال ۱۹۵۶ و چکسلواکی در سال ۱۹۶۸، رهبران آن به زور از قدرت رانده می‌شدند. پیمان ورشو اتحادی بود با پیشینه منحصر به فرد و تنها به کشورهای عضو حمله می‌کرد.

تفسیر تازه کرملین از حق حاکمیت شباهت زیادی به رویکرد اتحاد شوروی دارد و به تعبیر جورج اورول بر این اعتقاد است که برخی کشورها از دیگر کشورها حق حاکمیت بیشتری دارند. پوتین گفته است که تنها چند قدرت بزرگ شامل روسیه، چین، هند و ایالات متحده از حق حاکمیت مطلق برخوردارند و آزادند انتخاب کنند که به کدام پیمان بپیوندند یا عضویت در آن را رد کنند. کشورهای کوچک‌تر مانند اوکراین و گرجستان از حق حاکمیت کامل برخوردار نیستند و باید به محدودیت‌های مورد نظر روسیه احترام بگذارند. همچنین، به گفته پوتین، کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی باید از همسایه شمالی بزرگ خود حرف‌شنوی داشته باشند. همچنین روسیه در پی یافتن هم پیمان به معنای غربی آن نیست و در مقابل در پی مشارکت‌هایی است که جنبه بده بستان داشته و یا نفع متقابل داشته باشد. رابطه با چین از این نوع است. چین آزادی روسیه را برای اقدام محدود نمی‌کند و سیاست‌های آن را در داخل مورد انتقاد قرار نمی‌دهد.

چنین مشارکت‌های اقتدارگرایانه‌ای یکی از اجزای دکترین پوتین است. پوتین روسیه را حامی وضع موجود، مدافع ارزش‌های محافظه‌کاری و بازیگر بین‌المللی که به رهبران موجود بویژه خودکامگان احترام می‌گذارد، معرفی می‌کند. همچنانکه رویدادهای اخیر در بلاروس و قزاقستان نشان داده اند، روسیه قدرتی است که آمادگی دارد از فرمانروایان اقتدارگرایی که قدرت آنان با چالش رو به رو شده است، حمایت کند. روسیه از فرمانروایان خودکامه هم در همسایگی و هم فراتر از مرزها از جمله در کوبا، لیبی، سوریه و ونزوئلا دفاع کرده است. به گفته کرملین، اما غرب از هرج و مرج و تغییر رژیم حمایت می‌کند؛ چیزی شبیه به جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و بهار عربی در سال ۲۰۱۱.

اما در «قلمرو منافع خاص»، روسیه زمانی که فکر می‌کند منافع این کشور در معرض تهدید قرار گرفته و یا زمانی که می‌خواهد منافع خود را به پیش برد، همچنانکه الحاق کریمه و تهاجم به گرجستان و اوکراین نشان داد، می‌تواند مانند یک قدرت تجدید نظر طلب عمل کند. تلاش روسیه در سال‌های گذشته برای شناخته شدن به عنوان رهبر و مدافع رژیم‌های خودکامه به طور فزاینده ای موفق بوده و گروه‌های مزدور مورد حمایت کرملین به نیابت از روسیه در بسیاری بخش‌های جهان، همچنانکه در مورد اوکراین نیز مصداق دارد، وارد عمل شده‌اند.

مداخله تجدیدنظرطلبانه مسکو تنها به آنچه که آن را قلمرو اختصاصی خود می‌داند، محدود نمی‌شود. پوتین معتقد است که تامین منافع روسیه به بهترین وجه، در گرو ایجاد شکاف در دو سوی آتلانتیک است. برهمین اساس، وی از گروه‌های مخالف آمریکا و مردد نسبت به اتحاد اروپایی در قاره سبز حمایت کرده است. همچنین، وی از جنبش‌های پوپولیستی، خواه جناح چپ یا راست، در دو سوی آتلانتیک حمایت کرده، در انتخابات دیگر کشورها مداخله و به طور کلی کوشیده است اختلاف میان جوامع غربی را تشدید کند. یکی از اهداف عمده پوتین وادار کردن ایالات متحده به عقب نشینی از اروپا است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا به پیمان ناتو نگاه تحقیرآمیزی داشت و برای برخی از هم‌پیمانان کلیدی آمریکا در اروپا، بویژه آنگلا مرکل صدر اعظم وقت آلمان، ارزشی قائل نبود. ترامپ آشکارا از خروج آمریکا از ناتو سخن می‌گفت. دولت جو بایدن، رئیس جمهوری کنونی آمریکا، سخت کوشیده است تا این پیمان را ترمیم کند و علاوه بر آن، بحران ساخته و پرداخته پوتین بر سر اوکراین به تقویت این اتحادیه انجامیده است. اما در اروپا در مورد دوام تعهد آمریکا پس از سال ۲۰۲۴ تردیدهای جدی وجود دارد؛ زیرا روسیه در تقویت شکاکیت، بویژه از طریق رسانه‌های اجتماعی، به موفقیت‌هایی دست یافته است.

تضعیف اتحاد دو سوی آتلانتیک می‌تواند راه را برای تحقق هدف نهایی پوتین باز کند. این هدف چیزی نیست جز خلاصی از نظم بین‌المللی که پس از جنگ سرد ایجاد شد، لیبرالی است و مبتنی بر مقررات. رئیس‌جمهوری روسیه می‌خواهد این نظم را که آمریکا، اروپا و ژاپن مروج آن هستند با نظمی که بیشتر تحت نفوذ این کشور باشد، جایگزین کند. برای مسکو، این نظم جدید ممکن است چیزی شبیه کنسرت اروپایی سده نوزده باشد. این نظم همچنین می‌تواند چیزی شبیه به دوران جدیدی از رواج نظم یالتا باشد که در آن روسیه، آمریکا و اکنون چین، جهان را به حوزه‌های نفوذ سه گانه تقسیم کنند. بعلاوه، نزدیکی فزاینده مسکو به چین درخواست روسیه برای ایجاد نظم پسا غربی را تقویت کرده است. هم روسیه و هم چین خواستار نظم جهانی جدیدی هستند که چند قطبی باشد و در آن از نفوذ بیشتری برخوردار باشند.

نظام‌های حاکم بر جهان در سده‌های نوزده و بیست، هر دو، شماری از قواعد بازی را به رسمیت شناخته بودند. در این چارچوب، علیرغم همه مشکلات، آمریکا و اتحاد شوروی در دوران جنگ سرد عمدتا به حوزه نفوذ یکدیگر احترام می‌گذاشتند. اولتیماتوم نیکیتا خروشچف نخست وزیر شوروی به برلین در سال ۱۹۵۸ و بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ دو بحران خطرناک آن دوران بودند که قبل از این که به کشمکش نظامی منجر شود، حل و فصل شدند. اما اگر در وضعیت کنونی به دنبال نشانه‌ای می‌گردیم، به نظر می‌رسد «نظم» پسا غربی مورد نظر پوتین جهانی خواهد بود شبیه به آنچه‌هابس می‌گوید یعنی جهانی آشفته، عاری از نظم، با قواعد بازی اندک. در تعقیب این نظم جدید، شیوه عمل پوتین این است که غرب را در مورد نیات واقعی خود دچار سردرگمی و سپس زمانی که دست به اقدام می‌زند، غافلگیر کند.

چینش دوباره به سبک روسی

باتوجه به هدف نهایی پوتین و این اعتقاد وی که اکنون زمان وادار کردن غرب به واکنش در برابر اولتیماتوم‌های وی است، آیا می‌توان روسیه را از اقدام به مداخله نظامی دیگری در اوکراین بازداشت؟ هیچ کس نمی‌داند که پوتین در نهایت چه تصمیمی خواهد گرفت. اما باور وی به این که غرب برای سه دهه آنچه را که وی منافع مشروع روسیه می‌داند نادیده گرفته است همچنان راهبر اقدامات اوست. وی مصمم است حق روسیه را برای محدود کردن انتخاب‌های حاکمیتی همسایگانش و متحدان سابقش در پیمان ورشو اعمال کند و غرب را وادارد، خواه از طریق دیپلماتیک یا نیروی نظامی، این محدودیت‌ها را بپذیرند.

این بدان معنا نیست که غرب ناتوان است. آمریکا باید در رابطه با روسیه همچنان مسیر دیپلماسی را دنبال کند و بکوشد ترتیباتی را ایجاد کند که برای هر دو طرف قابل قبول باشد بدون این که در مورد حق حاکمیت متحدان و شرکایش سازش کند. در همین حال واشنگتن باید به هماهنگی با کشورهای اروپایی برای واکنش و تحمیل هزینه بر روسیه ادامه دهد. اما روشن است که حتی اگر اروپا خواستار پرهیز از جنگ باشد وضعیت به قبل از مارس ۲۰۲۱، که روسیه تجمع نیروهایش در مروز اوکراین را آغاز کرد، باز نخواهد گشت. نتیجه نهایی این بحران می‌تواند تغییر وضعیت امنیتی اروپا-آتلانتیک برای سومین بار از اواخر دهه چهل باشد. چنین نظمی برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم برآمده از تحکیم نظم یالتا در دو بلوک رقیب در اروپا بود. دومین نظم از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۱ با سقوط بلوک کمونیسم و سپس خود اتحاد شوروی ایجاد شد و با اقدام بعدی غرب برای ایجاد یک «اروپای همه شمول و آزاد» ادامه یافت. اکنون، سومین بار، پوتین با اقدامات خود علیه اوکراین این نظم را مستقیما به چالش کشیده است.

در همان حال که آمریکا و متحدانش منتظر حرکت بعدی روسیه هستند و می‌کوشند از طریق دیپلماسی و تهدید برقراری تحریم‌های سنگین، روسیه را از تهاجم به اوکراین بازدارند، باید بدانند که انگیزه‌های پوتین چیست و برای آینده به چه معناست. بحران کنونی در نهایت مربوط است به اراده روسیه برای ترسیم دوباره نقشه دوران پس از جنگ سرد و اعمال قدرت و نفوذ بر بیش از نیمی از اروپا برپایه این ادعا که مسکو می‌خواهد امنیت خود را تضمین کند. این بار ممکن است بتوان از یک کشمکش نظامی جلوگیری کرد اما تا زمانی که پوتین در قدرت است همین دکترین دنبال خواهد شد.

دکترین پوتین

رفتار رئیس جمهوری روسیه متاثر از مجموعه اصول سیاست خارجی در هم تنیده‌ای است که نشان می‌دهد روسیه در سال‌های آینده نظم موجود را مختل خواهد کرد. نام این رهیافت را بگذارید: «دکترین پوتین». جزء اصلی دکترین پوتین این است که غرب باید با روسیه به نوعی رفتار کند که گویی روسیه همان اتحاد شوروی است؛ یعنی قدرتی که باید به آن احترام گذارده شود و دیگران از آن بترسند. چنین قدرتی همچنین در ارتباط با همسایگانش از حقوق ویژه‌ای برخوردار است و در هر موضوع بین‌المللی جدی دیدگاه آن باید مورد توجه قرار گیرد. این دکترین بر این اعتقاد است که تنها چند کشور باید از چنین اقتداری برخوردار باشند. این چند کشور همچنین از حاکمیت مطلق برخوردارند و دیگر کشورها باید در برابر خواست آنان سرخم کنند. دفاع از رژیم‌های اقتدارگرای موجود و تحلیل بردن دموکراسی‌ها، جزء دیگر این دکترین است.

ویژه

گزارش آژانس
درباره تغییر محل برخی فعالیت‌های هسته‌ای ایران

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی‌اعلام کرد که ایران می‌خواهد در سایت اصفهان به تولید لوله‌های روتور سانتریفیوژ بپردازد.

به گزارش ایسنا، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی‌روز دوشنبه اعلام کرد که ایران به این نهاد اطلاع داده است که می‌خواهد به تولید لوله‌های روتور و Bellows (قطعات مربوط به سانتریفیوژ) در مکان جدیدی در اصفهان بپردازد؛ به جای آنکه این قطعات را در مجتمع تسای کرج بسازد.

گزارش آژانس اتمی‌به کشورهای عضو که به رصد رویترز رسیده است دلیلی مبنی بر اینکه چرا ایران تولید قطعات را از سایت کرج به اصفهان منتقل کرده ارائه نمی‌دهد.

بنا بر این گزارش، همچنین ایران به اطلاع آژانس بین المللی انرژی اتمی‌رسانده است که این نهاد بین‌المللی می‌تواند اقدامات نظارتی‌اش را متعاقب این تصمیم تنظیم کند.

در این گزارش آمده است که تولید لوله‌های سانتریفیوژ در سایت کرج متوقف و دوربین‌های نظارتی ۲۴ ژانویه (۴ بهمن) در سایت هسته‌ای اصفهان نصب شده است.

رویداد

انتقاد هیلی از دیپلماسی بایدن مقابل ایران

نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل، پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران را یکی از ضعف‌های بایدن دانست.

به گزارش ایسنا، نیکی هیلی، نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل در دوره دونالد ترامپ، روز دوشنبه در توییتی نوشت: آیا این جای تعجب دارد که هواپیماهای چین بر فراز تایوان پرواز می‌کنند. یا این‌که کره شمالی بار دیگر به آزمایش موشک می‌پردازد؟ آیا جای تعجب دارد که ایران در حال توسعه برنامه هسته‌ایش است؟ تمامی‌این‌ها از ضعف‌های بایدن هستند.

وی در انتهای توییت خود از هشتگ‌های «بیدار شوید» و «دست به کار شوید» استفاده کرده است.

پولیتیک

گفت و گوی وزرای خارجه ایران و استرالیا

«ماریس پین» وزیر خارجه استرالیا صبح دیروز در تماس تلفنی با «حسین امیرعبداللهیان»، وزیر امور خارجه کشورمان در خصوص توسعه و تعمیق روابط و همکاری‌های دو کشور، و مسائل منطقه ای و بین المللی گفت‌وگو و تبادل نظر کرد.

به گزارش ایسنا، وزیر امور خارجه کشورمان در این تماس با تبریک روز ملی استرالیا به وزیر امور خارجه، دولت و مردم این کشور، نیم قرن تاریخ روابط دوستانه را سرمایه مشترک دو کشور عنوان کرد و حضور جامعه فرهیخته ایرانیان در استرالیا را بعنوان پل فرهنگی میان مردم دو کشور عنوان کرد.

امیرعبداللهیان با اشاره به ظرفیت‌های روابط، برای گسترش همکاری‌های دو کشور در زمینه‌های مختلف، از جمله تجارت، سرمایه گذاری و مبادلات علمی‌بخش‌های دولتی و خصوصی دوکشور و برنامه ریزی مشترک در این خصوص اعلام آمادگی کرد و همکاری بخش خصوصی دو کشور در ساخت واکسن اسپایکوژن را نمونه ای موفق از همکاری‌های سازنده دانست.

رئیس دستگاه دیپلماسی همچنین سفر اخیر نماینده ویژه استرالیا در امور افغانستان به تهران را موفقیت آمیز خواند و اظهار داشت، در این سفر حوزه‌های جدیدی از همکاری‌های دو کشور درخصوص افغانستان تعریف شد.

وزیر امور خارجه کشورمان با اشاره به وضعیت بیجاشدگان افغانستان و ورود روزانه چند هزار زن و مرد و کودک افغانستانی به استان‌های مرزی ایران، بار دیگر بر ضرورت تشکیل یک حکومت فراگیر با مشارکت همه گروه‌های قومی‌و توجه جامعه جهانی به وضعیت آوارگان تاکید کرد.

ماریس پین، وزیر امور خارجه استرالیا نیز در این گفتگو با تشکر از همکاری جمهوری اسلامی‌ایران و رایزنی‌های موثر طرفین در سفر نماینده ویژه استرالیا در امور افغانستان، ابراز امیدواری کرد همکاری نزدیک دو کشور در موضوع افغانستان در راستای تشویق طالبان در عمل به تعهدات خود و اطمینان یافتن از عدم تبدیل افغانستان به پناهگاهی امن برای گروه‌های تروریستی و جرائم فراملی نظیر قاچاق انسان و قاچاق مواد مخدر، تداوم یابد.

وی ضمن استقبال از گسترش روابط دو کشور در حوزه‌های دو جانبه اعلام کرد استرالیا از مذاکرات در وین حمایت میکند.

وزیر امور خارجه کشورمان در خصوص مذاکرات برجام تاکید کرد جمهوری اسلامی‌ایران از دستیابی به توافق خوب در این مذاکرات استقبال و بر آن تاکید دارد.

امیرعبداللهیان در این تماس تلفنی خواهان توجه ویژه استرالیا نسبت به حقوق ایرانیان مقیم این کشور و بویژه وضعیت کنسولی برخی از اتباع کشورمان که در استرالیا با مشکل مواجه هستند، شد.

وزیر امور خارجه با اشاره به نقش جمهوری اسلامی‌ایران در مبارزه با تروریسم و تبیین نقش آفرینی موثر سردار سلیمانی، قهرمان ملی و بین المللی مبارزه با تروریسم در کمک به صلح و امنیت در منطقه، خواهان برخورد مسئولانه استرالیا با عوامل فعال گروهک‌های تروریستی در این کشور گردید.

استراتژی

استعمار از نوع چینی

«حسن حمزه» در یادداشتی برای دیپلماسی ایرانی می‌نویسد که «محمد ماهاتیر» نخست وزیر مالزی در اوت ۲۰۱۸ در پکن، پایتخت چین خطاب به میزبان چینی خود، لی کچیانگ گفت: «ما نسخه جدیدی از استعمار نمی‌خواهیم.» او در آن زمان به میزبان چینی خود اطلاع داد که کشورش سه پروژه بزرگ اقتصادی را که قرار بود توسط پکن تامین مالی شود، لغو کرده و در آن زمان تأیید کرد که لغو این پروژه‌ها به دلیل مبلغ بالای وام است که ما توان پرداخت آن را نداریم. وی خاطرنشان کرد که در حال حاضر ما به این پروژه‌ها برای مالزی نیاز نداریم. پروژه‌های لغو شده یک پروژه راه آهن به ارزش ۲۰ میلیارد دلار علاوه بر دو پروژه در حوزه انرژی به ارزش ۲,۳ میلیارد دلار بود. پیش از آن سیرالئون، پروژه ای به ارزش چهارصد میلیون دلار که قرار بود توسط چین برای ساخت فرودگاه در این کشور غرب آفریقایی بسازد را لغو کرد. ماهاتیر و جولیوس تنها کسانی نبودند که خطر «تله بدهی چین» را احساس کردند. کارشناسان برجسته آفریقایی نیز پیشتر هشدار داده بودند که چین ممکن است کشورهای آفریقایی را در دام بدهی با دادن وام‌های سنگین به آنها که ممکن است قادر به بازپرداخت آنها نباشند، گرفتار کند. آنها تأکید کردند که اگر پکن به این رویکرد ادامه دهد، ممکن است شروع به تأثیرگذاری بر تصمیمات اقتصادی و سیاسی برخی از کشورهای آفریقایی کند.

دیپلماسی تله بدهی

چین با سرعت ثابتی برای تبدیل شدن به بزرگترین امپراتوری جهان در حال رقابت با ایالات متحده برای ایجاد نظم جهانی جدید است و از طریق یک ابتکار اقتصادی بزرگ برای هدفی به نام «یک کمربند یک جاده» برای توسعه اقتصادی خود در سطح جهانی کار می‌کند.

اگرچه نرخ‌های اعلام شده برای این پروژه متفاوت است، اما تا کنون بیش از سیصد میلیارد دلار برای این پروژه هزینه شده است و چین قصد دارد طی ده سال آینده یک تریلیون دلار بیشتر برای این ابر پروژه هزینه کند.

بسیاری از کشورها نگاه مثبتی به پول چین نشان داده‌اند و فکر می‌کنند که این وام‌ها تقریباً رایگان هستند؛ اما واقعیت امر چیزی دیگری را نشان می‌دهد و آن این است که این وام‌ها از نظر اقتصادی برای کشورهای دریافت کننده بسیار پرهزینه بودند. این وام‌ها با ایجاد وابستگی بیش از حد این کشورها به پکن، به دلیل وابستگی عمیق به اقتصاد چین، این کشورها را به شدت وابسته به این کشور می‌کرد و به بیان ساده تر آینده آنها را در رهن شرکت‌های چینی قرار می‌داد. برهما چلانی، استاد مطالعات استراتژیک هندی یکی از نخستین کسانی بود که توجه‌ها را به پروژه‌های چین که با هدف بهره برداری از منابع در جهان سوم و تسخیر بازارهای محلی با کالاهای بی کیفیت چینی انجام می‌شود، جلب کرد.